



## تعامل فرانش‌ها در گفتمان جزیره سرگردانی و شاهنامه فردوسی ابراهیم سلطان

سعید عزیزپور<sup>۱</sup>، محمدصادق بصیری<sup>۲</sup> \*، محمدرضا صرفی<sup>۳</sup> ID

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. saeid.azizpour99@gmail.com

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. msbasiri55@gmail.com

<sup>۳</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. m\_sarfi@yahoo.com

### چکیده

نظریه نقش‌گرا، رویکردی است که برای توصیف و تحلیل متن به کار می‌رود. این رویکرد با بررسی ساختار جمله، انواع متفاوت فرایندها و کارکرد، آن‌ها را در جمله تبیین می‌کند. بر این مبنا فرستنده، تجارب، اندیشه‌ها و برداشت‌های خویش را از حوادث و پدیده‌های جهان بیرون و درون به مخاطب عرضه می‌کند. در دیدگاه هلیدی فرض بر این است که الگوهای تجربه در قالب فرایندها و از طریق فرانش‌اندیشگانی در زبان بازنمایی می‌شود. بر این اساس می‌توان به وسیله بررسی انواع فرایندهای موجود در افعال و تعیین بسامد وقوع آن‌ها در داستان، از تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد. در پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی فرایندهای به‌کاررفته در رمان جزیره سرگردانی و شاهنامه فردوسی نسخه دست‌نویس ابراهیم سلطان پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سیمین دانشور در رمان جزیره سرگردانی، ضمن توصیف تحولات سیاسی اجتماعی دوران معاصر، دیدگاه‌های زنانه خود را در شخصیت هستی، انعکاس داده است و با استفاده از فرایندهای مادی و رابطه‌ای به توصیف و نقل حوادث پرداخته است و توانسته دیدگاه‌های خود را درباره اوضاع اجتماعی و جایگاه و نقش زن نشان دهد. همچنین فردوسی در داستان‌های هفت‌خوان، فرایندهای مادی را بیشتر به کار برده است که به دلیل تناسب موضوع و ساختار حماسی شاهنامه است. سراینده، حالات و ویژگی‌های مشارکین را در هر خوان با فرایند مادی توصیف کرده است تا خواننده بتواند درکی ملموس و عینی از داستان داشته باشد.

### اهداف پژوهش:

۱. شناسایی تبیین فرایندها در داستان جزیره سرگردانی و شاهنامه نسخه ابراهیم سلطان.
۲. بررسی رابطه بین متن و توصیفات ادبی بر مبنای بسامد انواع فرایندها در داستان جزیره سرگردانی و شاهنامه نسخه ابراهیم سلطان.

### سؤالات پژوهش:

۱. کدام یک از فرایندها در رمان جزیره سرگردانی و هفت‌خوان شاهنامه فردوسی نسخه ابراهیم سلطان بیشتر به کار رفته است؟
۲. نقش و کارکرد فرایندها در رمان جزیره سرگردانی و شاهنامه ابراهیم سلطان چگونه است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۳۸۲ الی ۴۰۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۱

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

نظریه نقش‌گرا،

فرانش‌اندیشگانی،

سیمین دانشور،

جزیره سرگردانی،

شاهنامه فردوسی نسخه ابراهیم سلطان.

### ارجاع به این مقاله

عزیزپور، سعید، بصیری، محمدصادق،

صرفی، محمدرضا. (۱۴۰۱). تعامل فرانش‌ها

در گفتمان جزیره سرگردانی و شاهنامه

فردوسی ابراهیم سلطان. مطالعات هنر

اسلامی، ۱۹(۴۷)، ۳۸۲-۴۰۰.



[dori.net/dor/20.1001.1](https://doi.org/10.22034/IAS)

[۱۷۳۵۷۰۸,۱۴۰۱,۱۹,۴۷,۱۲,۰](https://doi.org/10.22034/IAS)



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://doi.org/10.22034/IAS)

[۲۰۲۰.۲۴۱۹۵۴.۱۳۰۸](https://doi.org/10.22034/IAS)



## مقدمه

زبان‌شناسی نقش‌گرا از اواسط قرن بیست گسترش یافت. آندره مارتینه، فرث و هلیدی از جمله پیشگامان این زبان‌شناسی هستند. این نظریه بر پایه نقش و معنا استوار است و از نظریه سیستم - ساخت (system-structure theory) فرث تأثیر بسیار پذیرفته است (هلیدی، ۱۹۹۴: ۴۵). این نظریه بعدها حول محور سیستم شکل گرفت و آن را زبان‌شناسی سیستمی یا زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا نامیدند. در دستور زبان نظام‌مند نقش‌گرا، برای تحلیل گفتمان، فرانش‌ها مورد توجه هستند. سه فرانش مورد توجه در چارچوب نظریه نقش‌گرایی، فرانش اندیشگانی (فرایند افعال)، فرانش بینافردی (وجه) و فرانش متنی است. فرانش‌ها همان بخش‌های بنیادین معنا هستند که به آن‌ها metafunction گفته می‌شود. در این دستور، برای تحلیل گفتمان، سه فرانش متنی، بینافردی و اندیشگانی در نظر گرفته می‌شود (ایشانی، ۱۳۹۴: ۹۵). فرانش اندیشگانی متضمن بازنمایی واقعیت و گویای محتوای کلام و گفتمان است (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۲۷) و به دو کارکرد تجربی و منطقی تقسیم می‌شود (Halliday & Hasan, ۲۶: ۱۹۸۹). در کارکرد تجربی، کاربر زبان تجربیات دنیای بیرون خود را از طریق زبان بیان می‌نماید. محصول این کارکرد در جمله، گذرایی (transitivity) نامیده می‌شود که مؤلفه‌ای از فرانش اندیشگانی و مشخصه‌ای از جمله است و برای مشخص کردن انواع متفاوت فرایندها در جمله - که در فعل نمود می‌یابد - به کار می‌رود (ایشانی، ۱۳۹۴: ۹۶).

ارتباط این موضوع با رمان جزیره سرگردانی به این دلیل است که از نظرگاه بررسی و تحلیل سبکی، کاربرد هر کدام و درصد بالایی هر فرایند، نشان‌دهنده دنیای ذهنیات و تفکرات نویسنده است که در قالب افعال نمودار شده است. برای مثال اگر در یک اثر واژگان و افعال بیشتر از نوع افعال ذهنی و خواب و رؤیا و دنیای درون باشد، سبک اثر از نوع داستان‌های سورئال و یا جریان سیال ذهن و مدرنیستی است. از سوی دیگر، کاربرد افعال دنیای واقعی که نشان از فعالیت‌های روزمره و درگیری شخصیت داستانی با اتفاقات روزانه و فعالیت‌های زندگی است، سبک داستان از نوع داستان‌های واقع‌گراست. بررسی این فرایندها در داستان جزیره سرگردانی سیمین دانشور، علاوه بر تبیین سبک اثر، دیدگاه‌ها و گرایش‌های زنانه نویسنده را مشخص می‌کند. نویسندگان زن معتقدند به دلیل ارتباط زنان با روایت و بیان تجربه زنانه در زندگی، رمان بهترین نوع ادبی است که ظرفیت بیان دیدگاه‌ها و خواسته‌های زنان را دارد. به همین دلیل با بررسی و تحلیل فرایند افعال در رمان جزیره سرگردانی و شاهنامه فردوسی نسخه دست‌نویس ابراهیم سلطان و تبیین ارتباط آن با شخصیت‌ها و وقایع داستان، می‌توان به دیدگاه‌های نویسنده پی‌برد که در متن پنهان شده است. بنابراین نظریه نقش‌گرای هلیدی بهترین تجلی‌گاه دیدگاه‌های نویسنده است که در متن پنهان شده است و از این طریق می‌توان به گفتمان غالب اثر دست یافت. یعنی در این رویکرد با استفاده از ساحت برون متن، می‌توان به درون متن و ارتباط آن با بافت موقعیتی که متن در تعامل با آن شکل گرفته است، پی‌ببریم.

درباره آثار دانشور پژوهش‌هایی چند به رشته تحریر درآمده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: ایشانی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» به بررسی افعال موجود در داستان‌های کوتاه سیمین دانشور براساس این رویکرد پرداخته است و معتقد است با بررسی انواع فرایندها و بسامد کاربرد آن‌ها، می‌توان به سبک مورد نظر نویسنده دست یافت. همچنین باقرزاده (۱۳۸۹) در

رساله خود با موضوع «بررسی شگردهای بیانی در داستان‌های سیمین دانشور و منیر روانی‌پور» به بررسی شاخص‌های زبانی در سطح آرایه‌های ادبی و شگردهای بلاغی در آثار سیمین دانشور و منیر روانی‌پور پرداخته است. نویسنده عناصر داستانی آثار دانشور و روانی‌پور را مورد بررسی قرار داده است. او به این نتیجه رسیده که هر دو نویسنده تقریباً از همه عناصر داستان در ارائه مفاهیم موردنظر بهره گرفته‌اند و از میان آرایه‌های ادبی تشبیه، تشخیص، تمثیل و تجسم از پرکاربردترین شاخص‌های به‌کار گرفته است. همچنین مقالات و رساله‌های دیگری نیز درباره آثار سیمین دانشور نوشته شده است که بیشتر به بررسی جامعه‌شناختی و تاریخی آثار نویسنده پرداخته‌اند. نکته حائز اهمیت درباره شاهنامه فردوسی نسخه دست‌نویس ابراهیم سلطان است که تاکنون مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است و در این پژوهش برای نخستین بار به معرفی آن و کارکرد فرانشی‌ها در داستان‌های هفت‌خوان پرداخته می‌شود. وجه متمایز پژوهش حاضر به این دلیل است که کوشیده با مطالعه بافت متن، به بافت موقعیت و دیدگاه‌های فکری نویسندگان دست یابد. یعنی ابتدا واحد تحلیل جمله و فعل و صورت متن است، بعد براساس آن‌ها به تحلیل دیدگاه‌های نویسنده می‌رسد و این نوع تحلیل در آثار دانشور بدیع و نو است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

## ۱. فرایندها و فرانشی

در دیدگاه هلیدی فرض بر این است که الگوهای تجربه در قالب فرایندها و از طریق فرانشی اندیشگانی در زبان بازنمایی می‌شود. براین اساس می‌توان از طریق بررسی انواع فرایندهای موجود در افعال و تعیین بسامد وقوع آن‌ها در داستان، از تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد. امکان و قابلیت دستوری برای بازنمایی تجربه در زبان، از طریق نظام گذرایی، مکانیسم بیان فرانشی اندیشگانی و تجربی در زبان است.

مقدار زیادی از تجربه روزانه ما به وسیله اعمال، رویدادها، تفکرات و تصورات ما شکل می‌گیرند و تعریف می‌شوند و نظام زبان این نقش مهم را برعهده دارد که اعمال و اقدامات گوناگون جهان را منعکس کند. بدین معنی که زبان قابلیت بازنمایی اعمال، گفتار و تفکرات ما را دارد. هالیدی در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، این نقش زبان را به فرانشی اندیشگانی و در ذیل آن به فرانشی تجربی، محول می‌کند. بنابراین در دستور نقش‌گرا، فرانشی اندیشگانی با ارائه الگوهای تجربه در متون گفتاری و نوشتاری، این نقش زبان را برعهده دارد. تجربه انسان از هستی به صورت پراکنده و پاره‌پاره صورت می‌گیرد. این مرحله تقطیع (segmentation) نام دارد. سپس در مرحله کدگذاری، تجربه‌ها در قالب نشانه‌های زبانی، کدگذاری (codification) می‌شوند. این نشانه‌ها همان افعال است که بازتاب‌دهنده تفکرات ماست (لیچ و شورت، ۱۹۸۱: ۸).

از آنجاکه در چارچوب نقش‌گرای، الگوهای تجربه در قالب افعال و فرایندها (processes) از طریق فرانشی تجربی امکان‌پذیر می‌شود، می‌توان با بررسی انواع فعل و تعیین فرایندها، بسامد وقوع آن‌ها در داستان، از تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد. این فرانشی نشانگر و شاخص مهمی برای سبک در گفتمان روایت محسوب می‌شود، چراکه بر مفهوم سبک به‌عنوان یک انتخاب و گزینه از میان گزینه‌های بالقوه دیگر که در نظام زبان موجود است، تأکید می‌کند. درواقع انتخاب گزینه در نظام زبان مبتنی بر انگیزه‌هایی است که گوینده و نویسنده دارند و مجموعه این گزینش‌ها، متونی را خواهد ساخت که به‌طور متفاوتی، سازماندهی و تفسیر می‌شوند (سیمپسون، ۲۰۰۴: ۲۲).

نظام گذرایی (transivity system) مکانیسم بیان فرانش اندیشگانی و تجربی در زبان است. نکته کلیدی این است که گذرایی، گزینش نظاممند را به دست می‌دهد، گزینشی که براساس انگیزه‌های گوینده و نویسنده از میان امکانات نظام زبان، صورت گرفته است. از این رو، الگو و نظام گذرایی به عنوان ابزار روش‌شناختی مهم و قابل‌اعتنا، در بررسی متون و به‌طور خاص در سبک‌شناسی متون، مطرح می‌باشد (سیمپسون، ۲۰۰۴: ۲۶). حال اگر متنی براساس نظام گذرایی، تجزیه و تحلیل شود، مؤلفه‌های معنایی اساسی جمله و به دنبال آن مؤلفه‌های معنایی کل متن شناسایی می‌شود.

به باور تامسون «فرآیند عبارت است از یک رویداد، کنش، احساس، گفتار یا بود و نبود» (تامسون، ۲۰۰۴: ۳۹). هلیدی و متیسن بر این باورند که «فرآیند یعنی اجزایی که مرکز یک بند را آرایش می‌دهند و متشکل از یک گروه فعلی می‌باشد» (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۷۷). هلیدی و متیسن این فرایندها را به سه دسته اصلی یعنی فرایندهای مادی ذهنی و رابطه‌ای و فرایندهای فرعی را به رفتاری، کلامی و وجودی تقسیم کردند.

### ۱.۲. فرایند مادی

فرایند مادی، فرایندی است شامل اعمال فیزیکی که نشان‌دهنده کنش یا رخدادی در جهان بیرون می‌باشد، مانند: دویدن، پرتاب کردن، پختن، نشستن، خوردن، ساختن، بازی کردن و... این فرایند نیازمند یک کنشگر یا عامل است و همچنین این فرایند بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین فرایند در نظام گذرایی است (Halliday، ۱۹۹۴: ۱۷۹).

### ۱.۳. فرایندهای ذهنی

به باور هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۱۹۳) درحالی‌که فرایندهای مادی، تجربه ما از دنیای اطرافمان است، فرایندهای ذهنی به تجربه ما از دنیای درون آگاهی‌مان سرچشمه می‌گیرد. آن‌ها شواهد مربوط به حس کردن هستند. بندهای ذهنی به دودسته تقسیم می‌شوند: حس‌گر و پدیده حس‌گر شرکت‌کننده‌ای است که حس می‌کند، یعنی احساس می‌کند، فکر می‌کند، طلب می‌کند یا ادراک می‌کند. فرایندهای ذهنی به دنیای درون یعنی لندیشه‌ها، تصورات، احساسات و عقاید مربوط می‌شوند و بیشتر مربوط به افعالی است که درک یا احساس می‌شوند و به کنش‌های ذهنی مرتبط است.

### ۱.۴. فرایندهای رابطه‌ای

سومین فرایند اصلی، فرایند ربطی یا رابطه‌ای است. این فرایندها به منظور شناسایی و توصیف به‌کار می‌رود. از ویژگی‌های اساسی بندهای ربطی اشتقاق آن‌ها از ماهیت مهم فعل «بودن» است. بندهای رابطه‌ای به دو دسته تقسیم می‌شوند: اسنادی و شناسایی. در فرایندهای اسنادی صفت یا یک ویژگی به کسی یا چیزی نسبت داده می‌شود و دارای دو شرکت‌کننده به نام‌های حامل و مسند می‌باشد.

### ۱.۵. فرایندهای رفتاری

این‌ها فرایندهایی از رفتار فیزیکی و از نوع انسانی و روانشناختی نظیر نفس کشیدن، سرفه کردن، خندیدن، خواب

دیدن و خیره شدن هستند. از میان شش فرآیند مطرح شده (اصلی و فرعی) تشخیص این نوع فرایند از همه مشکل تر به نظر می آید چون که ویژگی تعریف شده‌ی مشخصی را ندارند، بلکه آن‌ها تا حدودی شبیه فرایندهای مادی و تا حدی شبیه فرایندهای ذهنی. (درواقع مرز بین فرایندهای مادی و ذهنی) در این فرآیند شرکت کننده‌ای که «رفتار می‌کند» را «رفتارگر» می‌گوییم که اغلب الگوی بندهای رفتاری شامل رفتارگر و فرآیند است (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۴۸ - ۲۵۲).

### ۱.۶. فرایندهای کلامی

این فرایندها، در مرز میان دو فرایند ذهنی و رابطه‌ای قرار دارند و بندهایی هستند از نوع «گفتن». عمل گفتن، کنشی است مادی و فیزیکی، اما از طرفی این قبیل فرایندها انعکاس عملکرد ذهن می‌باشند. پس نوعی فرایند ذهنی نیز به حساب می‌آیند، خاصه که برخی معتقدند به بیان آوردن افکار و اندیشه نوعی گفتار درونی است.

### ۱.۷. فرایند وجودی

این فرایندها نشان می‌دهد که چیزی وجود دارد یا روی می‌دهد. این فرایندها در گفتمان خیلی رایج نیستند و آن‌ها را بین فرایندهای مادی و رابطه‌ای قرار دهند. فرایندهای وجودی با افعالی همانند وجودداشتن، ظاهرشدن، باقی ماندن و ... همراه می‌باشند (همان: ۲۵۶) می‌توان توصیف انواع فرایندها فرعی و اصلی را براساس تقسیم‌بندی هلیدی (۱۹۹۴) در شکل ۱ مشاهده کرد:



شکل ۱: توصیف انواع فرایندها فرعی و اصلی را براساس تقسیم‌بندی هلیدی (۱۹۹۴)

## ۲. خلاصهٔ رمان جزیرهٔ سرگردانی و مختصری در معرفی شاهنامهٔ فردوسی نسخهٔ دست‌نویس ابراهیم

### سلطان

#### ۲.۱. رمان جزیرهٔ سرگردانی

موضوع رمان، زندگی عاطفی، روانی، فکری، خانوادگی و اجتماعی دختری جوان به‌نام هستی نوریان است. در فاصلهٔ سنی بین بیست‌وشش تا بیست‌وهفت سالگی، و کل ماجراهای این رمان در زمانی کمتر از یک سال روی می‌دهد. رمان در این محدودهٔ زمانی و کنشی، حوادث بیرونی و فعل و انفعالاتی درونی را که در بخشی از سال ۱۳۵۶ بر هستی نوریان گذشته، به‌اختصار، و از زاویهٔ دید ناظری جهان‌بین و آگاه بر درون و برون روایت می‌شود. هستی تحصیلات عالی خود را در رشتهٔ نقاشی در دانشکدهٔ هنرهای زیبا به پایان رسانیده است. او در دوران تحصیل با استاد مانی که استاد نقاشی است و سیمین خانم که تاریخ هنر تدریس می‌کند، آشنا شده و تحت تأثیر و نفوذ فکری این دو استاد و برخی از نزدیکان سیمین - از جمله جلال آل‌احمد و خلیل ملکی - قرار گرفته است. همچنین در یک ماجرای برف بازی با دانشجوی هم دانشکدهٔ خود مراد پاکدل آشنا شده، و به تدریج دوستی صمیمانه و عمیق همراه با عواطف عاشقانه بین این دو به وجود آمده است. مدت دوماه در پی شرکت در تظاهرات دانشجویی هم در زندان بوده است. پس از استعفای مراد از این شورا و سفر مرموزش به مشهد، هستی از نظر روحی و عاطفی به‌شدت تنها می‌شود و احساس خلأ و سرگردانی می‌کند، تا اینکه از طریق مادرش در حمام سونا با خانمی به‌نام خانم فرخی که برای پسر از فرنگ برگشته‌اش دنبال همسر می‌گردد، آشنا می‌شود. آشنایی با این خانم، منجر به آشنایی هستی با سلیم فرخی می‌گردد که جوانی تحصیل کرده است و در انگلیس عرفان تطبیقی خوانده و پس از پایان تحصیل برای کار به میهنش بازگشته است. سلیم چون نتوانسته در دانشگاه به‌عنوان استاد استخدام شود، در حجرهٔ پدرش در بازار به‌کار معاملهٔ تکه سرگرم است و درصد گسترش حرفهٔ پدرش است.

در همان نخستین دیدار هستی و سلیم تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند و باوجود تمام اختلافات فکری و تضادهای عقیدتی و ناهمگونی‌های شخصیتی، از هم خوششان می‌آید. هستی به سلیم اطمینان خاطر می‌دهد که به‌محض اینکه مطمئن شد دوستش قاطعانه قصد ازدواج ندارد و جواب قطعی منفی او را شنید، به خواستگاری سلیم پاسخ مثبت می‌دهد و به سوی او دست دراز خواهد کرد. به این ترتیب سلیم را در جهانی پر از خوف و رجا، چشم انتظار و دل‌نگران نگه می‌دارد.

با بازگشت مراد از سفر، هستی با او دوباره دربارهٔ ازدواج صحبت و رسماً از او خواستگاری می‌کند. مراد پاسخ منفی می‌دهد و می‌گوید با آنکه عاشق هستی است؛ اما آمادگی و شرایط ازدواج را ندارد. با پاسخ منفی مراد، راه برای ازدواج هستی و سلیم باز می‌شود و آن دو در عهدوپیمانی خصوصی، بر مبنای دست‌نوشته‌ای بر روی کاغذ، با هم پیمان ازدواج را می‌بندند و پنهان از چشم دیگران زن و شوهر می‌شوند (دانشور، ۱۳۷۲).

#### ۲.۲. معرفی شاهنامهٔ نسخهٔ دست‌نویس ابراهیم سلطان

ابراهیم سلطان در سال ۱۴۱۵ از طرف پدر فرمانروای شیراز می‌گردد که تا پایان زندگی خود در سال ۱۴۳۵ در این مقام باقی ماند. دربار ابراهیم سلطان همچون دربار پدر در هرات به کار هنر کتاب‌پردازی دلبستگی ویژه نشان می‌داد. در این

سال‌ها در شیراز کتاب‌های دستنویس بسیاری آراسته به تذهیب و نقاشی مینیاتور تهیه شد. علاوه بر شاهنامه چند نسخه خطی قرآن کریم و همچنین کتاب دست‌نویس آراسته به نقاشی مینیاتور ظفر نادر نوشته علی یزدی، تاریخ‌نویس دربار ابراهیم سلطان را می‌توان نام برد. شاهنامه دست‌نویس ابراهیم سلطان دارای ۴۸۶ برگ (۹۳۶ صفحه) در اندازه‌های  $19/8 \times 28/8$  سانتی‌متر (که تقریباً اندازه یک صفحه ۴T است) است. هر صفحه دارای ۳۱ خط و در ۴ ستون نوشته شده است. با در نظر گرفتن فضاهای مخصوص نوشتن سرلوحه‌ها و همچنین نقاشی‌ها نویسندگان چنین می‌پندارند که این شاهنامه دارای ۵۰۰۰۰ بیت است. این شاهکار هنری دارای ۱۷۶ مینیاتور است که به غیر از چند مورد، بقیه موضوع‌ها در شاهنامه‌های دست‌نویس پیشین نقاشی شده‌اند. جدا از نقاشی‌ها هنر تذهیب به بهترین و زیباترین نوع خود در این شاهنامه به‌کار گرفته شده است، و برای اولین بار هنرمند تذهیب‌کار به نام ناصرالسلطانی امضاء خود را در یکی از تذهیب‌ها آورده است. این کتاب مقدمه شاهنامه ابومنصوری را دارد. اما جالب اینجاست که علاوه بر آن پیشگفتاری دارد که به مقدمه شاهنامه بایسنقری خیلی شباهت دارد. از آنجاکه تاریخ نگارش شاهنامه بایسنقری چندسال پس از تاریخ نگارش شاهنامه ابراهیم‌سلطان است، این موضوع کمی پیچیده به نظر می‌رسد. برای پاسخ‌دادن به این معما نویسندگان بر این باورند که چند صفحه اول شاهنامه دست‌نویس ابراهیم‌سلطان سفید بوده و بعدها این پیشگفتار بر آن افزوده شد. آن‌ها برای اثبات ادعای خود چنین استدلال می‌نمایند که خط این پیشگفتار با خط شاهنامه دست‌نویس ابراهیم‌سلطان که نستعلیق دهه‌های نخستین سده چهاردهم میلادی است اندکی تفاوت دارد. نویسندگان سپس ۴۲ نقاشی مینیاتور از ۱۷۸ نقاشی این کتاب دست‌نویس را با کیفیت خیلی خوب در کتاب خود چاپ کرده و در مورد هریک از آن‌ها توضیحات جامعی ارائه می‌دهند (ابراهیم سلطان، ۱۳۹۸).

### ۳. بررسی و تحلیل فرانقش اندیشگانی در رمان جزیره سرگردانی و هفت‌خوان شاهنامه دست‌نویس

#### ابراهیم سلطان

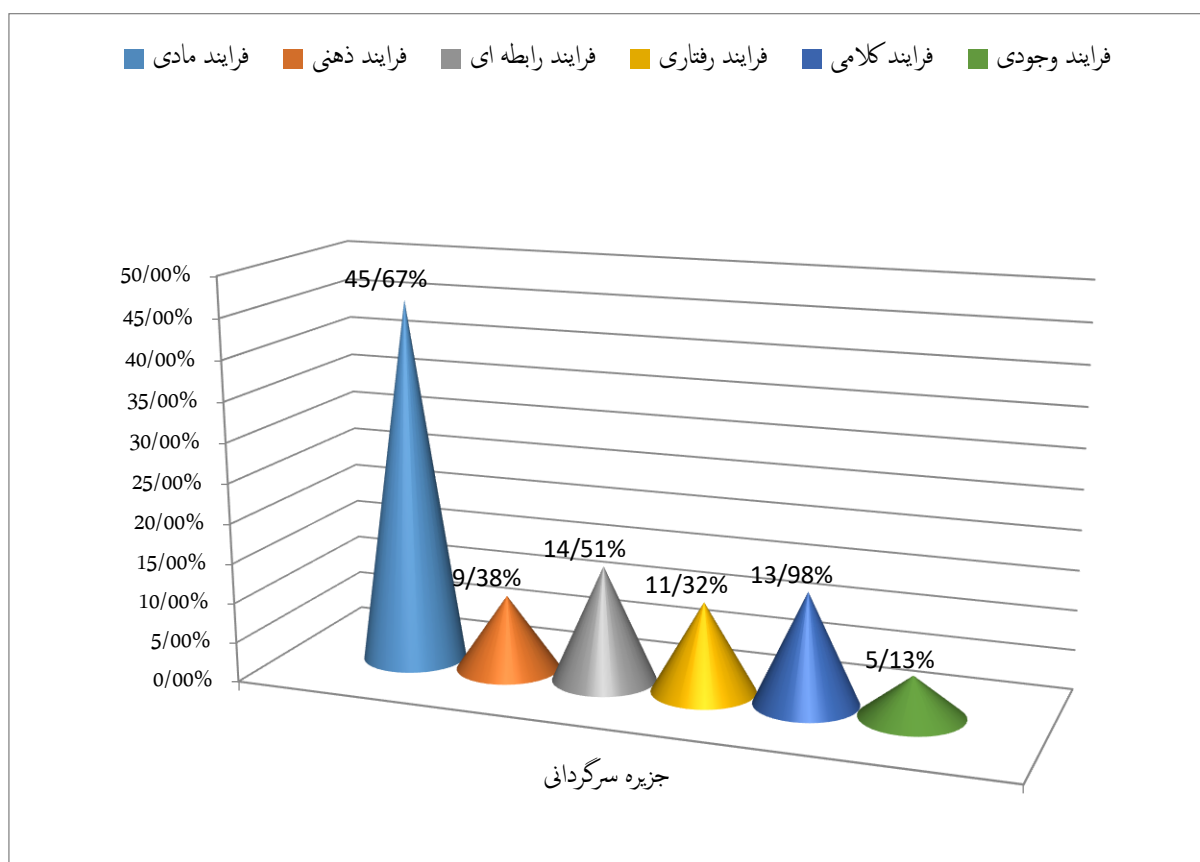
از آنجاکه زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، زبان را آینه تجربیات و درونیات هر فرد و جامعه می‌داند و به‌عبارت دیگر، هر کسی از طریق زبان به بیان تجارب، اندیشه‌ها و برداشت‌های خویش از پدیده‌های جهان بیرون و درونش می‌پردازد؛ در پژوهش پیش‌رو، برای دستیابی به این امر، رمان جزیره سرگردانی سیمین دانشور با این رویکرد تحلیل و بررسی خواهد شد.

ابتدا تمام افعال موجود در این داستان‌ها (جزیره سرگردانی و هفت‌خوان)، با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا و براساس نوع فرایندهای به‌کاررفته، مشخص شد و سپس بسامد و درصد نوع فرایندهای موجود در این متون تعیین شد که به‌عنوان مشخصه سبکی آثار دانشور در نظر گرفته می‌شود و بدین‌سان راه را برای شناخت شخصیت او هموار می‌سازد. نتایج تحلیل در جدول شماره ۱ نشان داده شده است:



جدول شماره ۱ - کارکرد فرایندها در رمان جزیره سرگردانی

| جزیره سرگردانی (۱۳۷۲) |       | رمان            |
|-----------------------|-------|-----------------|
| درصد                  | تعداد | انواع فرایندها  |
| ٪۴۵.۶۷                | ۱۰۰۶۲ | فرایند مادی     |
| ٪۹.۳۸                 | ۲۰۶۷  | فرایند ذهنی     |
| ٪۱۴.۵۱                | ۳۱۹۸  | فرایند رابطه‌ای |
| ٪۱۱.۳۲                | ۲۴۹۶  | فرایند رفتاری   |
| ٪۱۳.۹۸                | ۳۰۸۱  | فرایند کلامی    |
| ٪۵.۱۳                 | ۱۱۳۱  | فرایند وجودی    |
| ٪۱۰۰                  | ۲۲۰۳۵ | مجموع           |



نمودار شماره ۱ - بسامد انواع فرایندها در داستان جزیره سرگردانی

در بررسی فرایندها در هفت‌خوان شاهنامه نسخه دست‌نویس ابراهیم‌سلطان، روش کار این‌گونه بود که ابتدا تمام افعال در این هفت‌خوان بررسی و شمارش شد، سپس بر مبنای نوع فعل در فرایندهای شش‌گانه طبقه‌بندی شد و در آخر جمع‌بندی نهایی صورت گرفت.

فراوانی و درصد کاربرد فرایندها در شاهنامه ابراهیم سلطان به شرح ذیل است:

جدول شماره ۲- کارکرد فرایندها در هفت‌خوان

| نوع فرایند | مادی | ذهنی | رابطه‌ای | بیانی | وجودی | رفتاری |
|------------|------|------|----------|-------|-------|--------|
| فراوانی    | ۴۷۵  | ۱۱۰  | ۹۴       | ۶۹    | ۲۶    | ۱۲     |
| درصد       | ٪۶۰  | ٪۱۴  | ٪۱۲      | ٪۹    | ٪۳    | ٪۲     |

### ۳.۱. فرایندهای مادی

فرایندهای مادی در داستان جزیره سرگردانی به مراتب بیشتر از سایر فرایندها تکرار شده‌اند. این نسبت به ٪۴۵.۶۷ می‌رسد؛ به دیگر سخن، از مجموع ۲۲۰۳۵ فرایند موجود در این داستان، تعداد ۱۰۰۶۲ فرایند آن از آن فرایند مادی است؛ به‌طور کلی اگر به شیوه‌های داستان‌نویسی در ایران توجه کنیم، متوجه می‌شویم که حتی در رمان‌هایی که به شیوه مدرن و پست‌مدرن در ایران نوشته شده است از جمله رمان‌های جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان، کاملاً به واقعیت موجود نظر داشته‌اند» (دسپ، ۱۳۸۸: ۲۴) به همین دلیل هم نویسندگان برای انتقال معانی و مفاهیم مورد نظر خود بهترین کار در استعمال فرایندهای مادی دیده‌اند.

دانشور در رمان جزیره سرگردانی، به بهترین شکل ممکن و با بهره‌گیری از فرایندهای مادی سرگردانی و حیرت‌هستی را برای مخاطب به‌تصویر می‌کشد و به‌نوعی موضوع را برای وی ملموس و از حالت انتزاعی بیرو می‌آورد:

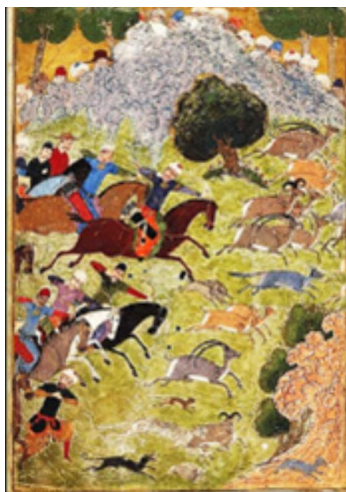
« بیژن به راهنمایی هستی به یک خیابان فرعی به موازات تپه پیچید. بالا رفت، پایین آمد، عقب زد، جلو رفت، به چپ، مستقیم، پیچ، پی چدرپیچ، سرازیری، سربلایی، عاقبت توقف کرد. دست روی فرمان ماشین زد و گفت: حالا بهکلی گم شدیم (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۷۳)

در این صحنه، بیژن نابرداری هستی راننده است و هستی مسیر را برای او تعیین می‌کند. کاربرد آهنگین کلمات تک‌سیلابی یا دوسیلابی، مانند راست، چپ، پیچ، بالا، جلو و پایین، ضرباهنگی خاص را ایجاد می‌کند که با عبارت «توقف کرد» به یک سنگینی عظیم ختم می‌شود این همان توقف از تلاش برای شناخت وجود است که هستی بیشتر و در صفحات ۸۳ و ۸۷ از آن سخن گفته بود.

به هر حال، فرایندهای مادی در رمان‌های دانشور بیانگر روح پرتلاطم وی در برخورد با حوادث زمانه، وطن‌فروشی و خیانت برخی از ایرانیان است. افعال مادی به‌واسطه حرکت و نیروی برانگیزاننده‌ای در در خود دارند، عامل مؤثری به‌منظور جلب توجه مخاطب و ایجاد انگیزه برای تغییر و تحول‌اند، از این‌رو در

رمان‌های دانشور به‌ویژه سووشون که مجاللی برای به چالش کشیدن ارباب زر و زور و تزویر و بیگانگان است، تأثیر عمیق‌تری بر جای می‌گذارند. دانشور برای تصویر حوادث زمانه خود و جهان بیرون با استفاده از نقش تجربی زبان دست به انتخاب و استفاده فزونتتری از فرایندهای مادی زده است، امری که می‌تواند دلیلی بر اوضاع نابسامان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران دانشور باشد.

بسامد بالای فرایند مادی کاملاً در راستای اهداف نویسنده به کار رفته است؛ موضوعی که حاکی از ارتباط شخصیت‌های داستانی با جهان بیرون و کنش‌پذیری و نقش‌پذیری بیشتری دارند. این مسئله بیانگر آن است که دیدگاه دانشور دیدگاهی واقع‌گرایانه است و برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب و جلب توجه خواننده در بیان تجارب بیرونی و دورنی خود از این فرایند بیشتر سود جست است. دانشور برای اینکه حوادث زمانه خود را ملموس‌تر و واقعی‌تر به خواننده بنمایاند، از افعالی استفاده می‌کند که بر رخدادهای مادی واقعی دلالت دارند، بسامد بالای فرایندهای مادی، فضای داستان را از حالت انتزاعی و غیر ملموس دور می‌سازد و در نتیجه سبب می‌شود که داستان و مسائل مطرح‌شده در آن برای خواننده باورپذیر شوند. علاوه بر این، باعث نوعی حرکت و پویایی در داستان نیز می‌شوند» (نویدی، ۱۳۹۵: ۳۰۱).



تصویر ۱-نگاره شکار در شاهنامه ابراهیم سلطان، دوره تیموری. (منبع: نوحی، ۱۳۹۹: ۱)

در بررسی فرایندها در هفت‌خوان این نتیجه حاصل شد که بیشترین درصد کاربرد از نوع فرایند مادی است. فرایند مادی در این جدول، رتبه اول را دارد. بسامد زیاد این فرایند در داستان، منعکس‌کننده مناسبت آن با بافت حماسی شاهنامه است؛ زیرا جنگاوری و ویژگی برجسته نوع ادبی حماسه است. جنگ و حماسه که کنشی است به صورت رخداد و مجموعه‌ای از اعمال و کنش‌های فیزیکی است و بر همین اساس است که فرایند غالب در این داستان، فرایند مادی است. از نمونه‌های کاربرد فرایندها در شاهنامه، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

یکی نیستان بستر خواب ساخت در بیم را جای ایمن شناخت (خوان اول)

«از هنرهای برجسته فردوسی در این داستان، توصیف است. وی چنان به توصیف صحنه هر خوان

می‌پردازد که لحظه‌به‌لحظه وقایع آن خوان در پیش روی خواننده مجسم می‌شد. فردوسی برای نمایش تصاویری از طلوع خورشید، دمیدن صبح، غروب و تصاویری از میادین جنگ و نحوه مبارزه با اژدها و زن جادوگر و دیو و غیره، به دلیل ماهیت این صحنه‌ها، از افعال مادی و ملموس بهره‌گرفته است که این افعال دارای فرایند مادی است» (فضائی و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۳۶).

### ۳.۲. فرایندهای رابطه‌ای

شاید بتوان در توجیه بسامد بالای فرایندهای رابطه‌ای گفت که چون داستان‌های دانشور جنبه توصیفی و کنشی دارند، فرایندهای مادی و رابطه‌ای از بسامد بالایی برخوردارند، امری که فضای داستان را متنوع کرده و میدان را برای جلب توجه مخاطب از حالت توصیف به عمل و برعکس از حالت کنشی به توصیفی فراهم می‌سازد. از نمونه‌های فرایند رابطه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

زیر درخت پر است از گنجشک‌های مرده، بال شکسته ... انگار خون هم ریخته [است]. پوکه فشنگ که فراوان است. چندتا گربه و سگ می‌آیند و کاری به‌کار هم ندارند. یا دست ندارند یا پا. [ندارند] چشم‌های همه‌شان کور است. انگار خمپاره‌ای افتاده همه‌شان را لت‌وپار کرده. گربه‌ها میومیو می‌کنند. سگ‌ها زوزه می‌کشند. شاید گرسنه‌اند (دانشور: ۱۳۷۲: ۳). نکته جالب اینکه زمانی که دانشور می‌خواهد سرگردانی هستی را در تهران نشان دهد، این شهر را این‌گونه وصف می‌کند:

هستی گفت: می‌گویند تهران یک شهر خاکستری یا قهوه‌ای است. شبیه کتابخانه‌ای است پر از کتاب‌های پراکنده فهرست‌نشده. نه فهرست‌الفبایی دارد و نه موضوعی... در کل، تهران عین مردمی است که در آن زندگی می‌کنند (همان: ۱۷۲). همان‌طور که می‌بینیم در این بخش از داستان جزیره سرگردانی که به توصیف شهر تهران اختصاص دارد، بسامد استفاده از فرایندهای رابطه‌ای روبه فزونی است.

نکته قابل توجه این است در مواردی که از فرآیند رابطه‌ای به فراوانی استفاده شود، فضای داستان ساکن و بدون جنبش می‌شود به همین دلیل، دانشور با همراه کردن فرایندهای مادی در کنار فرایندهای رابطه‌ای فضای داستان را از سکون و یکنواختی درآورده و باعث پویایی و تحرک آن شده است. باید به این نکته هم توجه داشت که در میان فرایندهای رابطه‌ای، نوع وصفی از بسامد بالاتری برخوردار است. امری که نشان‌دهنده توجه و تأکید دانشور بر نوع روابط اسنادی ساده تا نوع هویت‌بخشی آن است. بنابراین با توجه به بسامد بالای فرایندهای رابطه‌ای آن هم از نوع وصفی می‌توان آن را نشان از اهمیت ویژگی توصیف نزد دانشور دانست.



تصویر ۲- فتح تاج پادشاهی توسط بهرام گور با کشتن شیران، شاهنامه ابراهیم سلطان. دوره تیموری. منبع: (نوحی، ۱۳۹۹: ۱)

نکته دیگر اینکه هم در جزیره سرگردانی دانشور و هم در هفت خوان شاهنامه، در فرایند رابطه‌ای، میان پدیده‌های انسانی و غیرانسانی پیوند برقرار شده است. در فرایند رابطه‌ای نویسنده با نسبت‌دادن ویژگی‌های متعدد به عناصر طبیعی و غیرطبیعی، فضایی توصیفی در داستان‌ها خود ایجاد کرده است. نمونه فرایند رابطه در هفت‌خوان:

تو خورشید گفتی به بند اندر است      ستاره به خم کمند اندر است (خوان پنجم)  
همه رنج‌های تو بی بر شود      ز دیوان، جهان پر ز لشکر شود (خوان ششم)

### ۳.۳. فرایندهای کلامی

خاصیت مناظره و گفتگو در داستان‌های دانشور این است که روند داستان را از حالت تک‌گویی بیرون آورده و نوعی تعامل میان شخصیت‌های داستان برقرار کرده است. علاوه بر این بسامد بالای فرایند کلامی، با ماهیت جنس ادبی مورد مطالعه که داستان و مبتنی بر گفتگو است و ازسویی، با ویژگی برجسته شخصیت نویسنده که برون‌گرا است، هماهنگ است.

از آنجاکه حجم وسیعی از رمان سرگردانی به گفتگوی میان اشخاص یا گفتگوی درونی اختصاص دارد، تحلیل نقش گفتگو در این رمان می‌تواند در روشن کردن بسیاری از مسیرها به کمک ما آید. در خلال متن و گفتگوی زیر مسائلی اومانیسیم، مهدویت انقلابی، مارکسیسم، ایدئولوژی، ایدئولوژی زندگی، شیطان زدگی، رنسانس و مکاتب فکری مختلف مطرح می‌شود:

...سلیم می‌گفت:

بایستی خدا را از نو بشناسیم...

هستی گوش تیز کرد حرف‌های این بابا تازگی داشت و ربطی به حرف‌های مراد نداشت، دخالت کرد:

به عقیده من دوران نوزایی... بزرگ‌ترین تحول بشری است.....

سلیم گفت:

اومانیته بله ولی اومانیسیم نه... تقی‌زاده می‌گفت: ایران بایستی غربی شود  
هستی گفت:

نمی‌شود همه چیز غرب را به‌طور دربست نفی کرد...

سلیم گفت:

ما خودمان منبع الهام داشته‌ایم و داریم.

مادربزرگ گفت:

مقصودشان قرآن و اسلام و عرفان است.

و سلیم افزود:

اسلام انقلابی، مهدویت انقلابی این نوع دین داری فرار از تجددخواهی به سبک غربی یا مدرنیسم ولن‌نگار  
است.

مادربزرگ دستش را روی قلبش گذاشت و گفت:

انگار از دل من حرف می‌زنید.

سلیم افزود:

ایرلندی‌ها کورکورانه به انقلاب مارکسیستی رو آورده‌اند...

هستی اندیشید: این بابا هم مثل مراد به آدم درس می‌دهد منتهی موضوع درشش فرق دارد.

چقدر کلمه‌های فرنگی به کار می‌برد... خواست که جلو سلیم دربیاید، گفت:

یعنی بازگشت به عهد دقیانوس ... (همان: ۲۸ - ۳۰)

این موضوع تا چند صفحه بعد ادامه دارد و در آن بسامد استفاده از فرایندهای کلامی رو به فزونی است.

در مراسمی که به مناسبت خداحافظی هیتی، مستشار فرهنگی، در منزل موری، کارشناس آموزش کل  
کشور، برگزار شده است، هستی در مکالمه با افرادی نظیر هیتی و کراسلی یکی از مستشاران عالی رتبه  
ساواک قرار می‌گیرد. در این گفتگوهای چنداوا همواره تلاشی پویا برای کشف حقیقت از نظرگاه دیگری  
دیده می‌شود:

«هیتی گفت: سخت به فروید چسبیده‌ایم، درحالی‌که روانشناسی بعد از او، این همه گسترش پیدا کرده  
است.

هستی گفت: همه‌اش تقصیر فروید نیست. دامن زدن به فساد در غرب بر ای منفک کردن نسل جوان از  
سیاست است.

کراسلی گفت: پس خانم کمونیست تشریف دارند. بدان که رژیم توتالیتر با طبع انسان سازگار نیست.

هیتی آهی کشید و گفت: روزگار تلخ و تباهی است. پیرها را الکل و ترس از پا می‌اندازد و جوان‌ها را  
مواد مخدر و ولنگاری، و در رژیم‌های توتالیتر محرومیت از آزادی فردی» (همان: ۲۰۰).

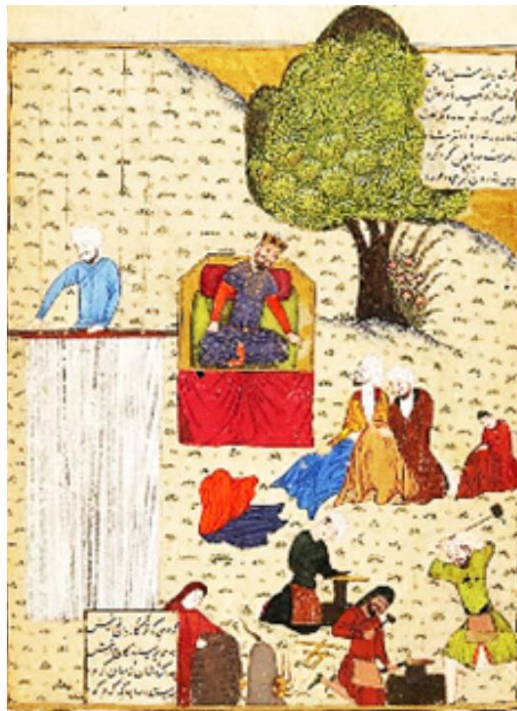
در این مکالمه بین هیتی، کراسلی و هستی به‌وضوح تکرر صداها و خودآگاهی‌های مستقل شنیده  
می‌شوند که سنگ بنای متنی گفت‌وگومدار را پی‌نهاده‌اند. همان‌طور که بررسی متن جزیره سرگردانی

نشان می‌دهد، صداهایی با اعتبار برابر، ضمن احترام به جهان‌نگری‌های متفاوت و تکثر دیدگاه‌ها وارد گفتگو می‌شوند. در این متن، دیدگاه‌هایی در تضاد کامل با یکدیگر نظیر صداهای هستی، هیتی و کراسلی آزادانه وارد مکالمه می‌شوند و پویایی گفتمانی و چندصدایی را به‌وجود می‌آورند که باعث تضارب و هم‌افزایی آزادانه افکار و تأملات شخصیت‌ها در متن می‌شود.

«مراد به جلال گفته بود: آقای آل‌احمد چرا وارد گود نمی‌شوید تا ما دنبالتان راه بیافتیم؟ جلال جواب داده بود: من وارد گودم، منتها قلمرو من قلم است. اگر وارد گودی که تو می‌خواهی بشوم، آن وقت تو کنار می‌ایستی و می‌گویی لنگش کن. مراد گفته بود: ما را دست کم نگیرید (دانشور: ۱۸۱).

آنچنان‌که می‌بینیم صدای مراد و صدای جلال آل‌احمد وارد مکالمه می‌شوند، بی‌آنکه صدای یکی بر صدای دیگری تفوقی داشته باشد. مراد پرسش خود را مطرح کرده و آل‌احمد اندیشه خود را عنوان می‌کند، اما هیچ‌کدام به‌عنوان دریافت و یا تفکری برتر به خواننده القا نمی‌شود. این شگرد و شیوه نگارش، ایده‌ای نو را برای مشارکت خواننده در متن و همچنین زدودن تفسیری منفرد از متن را فراهم می‌آورد. موضوعی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که «در رمان جزیره سرگردانی گفتگوها بیشتر در خدمت اثبات نظر نویسنده‌اند تا پیشبرد رمان و شناخت شخصیت‌ها. هر شخصیتی که زبان به گفتگو باز می‌کند بر همان وجه شخصیت خود تأکید دارد که به آن محدود شده است» (مرادی پور، ۱۳۹۰: ۷۰).

در رمان جزیره سرگردانی و هفت‌خوان رستم، نویسندگان با برقراری گفتگو بین عناصر مختلف، فضای مناظره در رمان ایجاد می‌کند و در نتیجه به خلق چند صدایی در رمان منجر می‌شود به دیگر سخن، خواننده با خوانش داستانهای دانشور و هفت‌خوان و انتخاب صداهای گوناگونی را درمی‌یابد که از گویندگان مختلف صادر شده است. هر یک از این صداها بیانگر نوعی از اندیشه، عاطفه و تخیل در ذات خویش است.



تصویر ۳- نگاره جمشید هنر و پیشه می‌آموزد. شاهنامه ابراهیم سلطان، دوره تیموری. منبع: (نوحی، ۱۳۹۹: ۱)

نکته مهم دیگر اینکه دانشور و فردوسی تقریباً در داستان‌های خود، اشخاص داستان را به حرف می‌آورند و کاری می‌کند که خود، با بیان و گفتار خویش، خواننده را در جریان خصوصیات خود، بگذارند. تقریباً در تمام موارد گوینده معلوم و مشخص است امری که نشان می‌دهد دانشور قصد دارد پیام خود را صریح و بی‌پرده به مخاطب منتقل سازد. فرایندهای کلامی در رمان سووشون و هفت‌خوان به نوعی بازگوکننده عقاید، تفکرات، عاطفه و تخیل طرفین گفتگو است. نمونه‌ای از فرایند بیانی در هفت‌خوان:

بیفشرد و بر کند هر دو ز بن نگفت از بد و نیک با او سخن (خوان پنجم)

#### ۳،۴. فرایندهای رفتاری

نکته حائز اهمیت در تحلیل رمان، درهم آمیختگی فرایندهای مادی در کنار فرایندهای رفتاری است که حکایت از نوعی عینی‌گرایی نویسنده دارد. رفتارهای چون «ایستادن»، «نشستن»، «برخاستن»، «خندیدن»، «تماشاکردن»، «چشم دوختن»، «نگاه کردن»، «خیره شدن»، «اشاره کردن» از بسامد بسیاری بالایی در داستان‌های دانشور برخوردار است. در ادامه به نمونه‌هایی از این نوع فرایند در داستان‌های وی اشاره می‌شود:

هستی دو تا اسکلت می‌بیند که شلنگ انداز می‌آیند، می‌آیند و جلو هستی می‌ایستند. همدیگر را بغل می‌کنند و می‌بوسند. و حالا هستی کنار چاه آبی ایستاده. نه چرخ چاه و نه رسن.

صدایی می‌گوید: آن‌ها که ریسمان دستشان بود، آن‌ها که کلید داشتند همه‌شان گم‌وگور شدند. مادر بزرگ می‌گفت: در دهلیز انتظار، چشم به راه قطار مرگ ایستاده‌ام. و حالا دم و بازدمش که هر دو



قفس سینه‌اش را می شکافتند و می خراشیدند، به صدای قطاری می‌مانند که هنوز از راه نرسیده به راه می‌افتد.

هستی بیدار شد. هنوز طلوعه صبح صادق ندیده بود.

هستی در را باز کرد راننده شوهر مادرش کنار در عقب ماشین ایستاده بود. سلام کرد، و تکمه کتش را به سختی بست، شکمش به ورد و نزدیک بود تکمه را بپراند. هستی گفت: یک دقیقه صبر کنید. تو رفت. مادر بزرگ روی کرسی نشسته بود و از تکمه فشار می‌پنجره باز به حیاط نگاه می‌کرد. هستی از پشت بغلش کرد و روی موهای سفیدش را بوسید (دانشور ۱۳۷۲: ۲ و ۳ و ۵).

در متن‌های جزیره سرگردانی و هفت‌خوان، فوق در کنار فرایندهای رفتاری از فرایندهای مادی و تا حدودی فرایندهای کلامی نیز استفاده شده است. همین موضوع، تصویری کامل‌تر از اهداف و خواسته‌های دانشور را نشان می‌دهد. شاهد مثال برای فرایند رفتاری:

چو بیدار شد رستم از خواب خوش برآشفته با باره دست‌کش (خوان سوم)



تصویر ۴- در آغوش کشیدن سیاوش پس از گذر از آتش، شاهنامه ابراهیم سلطان، دوره تیموری. منبع: (نوحی، ۱۳۹۹: ۱)

### ۳.۵. فرایندهای ذهنی

فرایندهای ذهنی در قالب احساسات، اندیشه‌ها و دریافت‌های اشخاص موجود در رمان‌های دانشور بازنمایی می‌شود. این فرایند نسبت به سایر فرایندها به‌ویژه فرایندهای مادی و رابطه از بسامد بسیار پایینی برخوردار است. به دیگر سخن، از مجموع کل فرایندها، فرایند ذهنی تنها ۲۰۴ مورد تکرار شده است. این بسامد پایین فرایندهای ذهنی با آنچه که قبلاً در فرایندهای مادی گفته شد، کاملاً سازگار است؛ زیرا فرایندهای ذهنی با ویژگی‌های شخصی افراد درون‌گرا هماهنگ است تا افراد برون‌گرا بدین معنا که افراد برون‌گرا مایل به برقراری ارتباط با دیگران و به‌عکس افراد درون‌گرا کم‌حرف و فردگرا هستند، علاوه بر این، تفاوت معنا دار بسامد کنش‌های مادی در عین حال که نشان از واقع‌گرایی نویسنده اثر در برخورد با پیرامون خود است، می‌تواند بیانگر تناسب نوع افعال با گونه ادبی داستان باشد که از

زندگی واقعی و روزمره مردم متأثر است و از آن الهام می‌گیرد. در ادامه به نمونه‌هایی از این نوع فرایند در داستان‌های وی اشاره می‌شود:

دانشور آنجا که پای سرگردانی هستی با مدلولهای نمادین شخصیت او به میان می‌آید، به استفاده از فرایندهای ذهنی روی می‌آورد و می‌گوید:

«من قاطی پاطی هستم. گاهی فکر می‌کنم چپ انسان دوستم و هوادار خلیل ملکی و گاهی فکر می‌کنم به قدرت تحرک مذهب معتقدم و پیرو جلال آل‌احمد و به قول شما دینامیزم مذهبی. گاهی فکر می‌کنم تنها به هنر رو بیاورم، با برداشت درست سیاسی - اجتماعی، اما چه برداشتی درست است؟ نمی‌دانم (دانشور، ۱۳۷۲: ۸۷).

در شاهنامه فردوسی هم فرایند ذهنی در رتبه‌های پایین‌تر قرار دارد، و این موضوع به دلیل کارکرد توصیفی شاهنامه است که سعی در ملموس کردن ماجراهای هفت خوان دارد. نمونه فرایند ذهنی:

ندانست، کو جادوی ریمن است نهفته به رنگ اندر آهرمن است (خوان سوم)

### ۳.۶. فرایندهای وجودی

فرایندهای وجودی درصد کمترین میزان کاربرد را در داستان سیمین دانشور و هفت‌خوان شاهنامه را دارد، به دیگر سخن، دانشور و فردوسی از این فرایند استفاده چندانی نکرده است. بررسی همین تعداد اندک از فرایندهای وجودی نشان می‌دهد که نویسنده آن‌ها را هم به صورت مثبت به کار برده است هم به صورت منفی. در ادامه به نمونه‌هایی از این نوع فرایند در داستان‌های وی اشاره می‌شود:

سحر نیود. نور از شیشه پنجره پشت پلک‌های هستی افتاد... خواب می‌دید: در سرزمین ناشناسی است... از یک زن که نقش عقرب زیر گلپوش است ... سایه‌ای در کار نیست اما می‌توان به درخت تکیه داد... .. شاید هم به زبان بی‌زبانی می‌گویند کسی نیست به داد ما برسد؟ هستی از دیوار خرابه‌ای، از روی آجرها و پوکه‌های فشنگ ردمی شود و به چمن سوخته‌ای می‌رسد. چمن را از اینجا می‌شناسد که تابلویی کنارش است (دانشور، ۱۳۷۲: ۱-۳).

نمونه کاربرد فرایند وجودی در هفت‌خوان به شرح ذیل است:

زمانی همی بود، در چنگ تیغ نبد جای دیدار و جای (خوان هفتم)

### نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل‌ها نشان داد فرایندهای مادی و در مرتبه دوم فرایندهای رابطه‌ای در رمان جزیره سرگردانی از بسامد بسیار بالایی برخوردار هستند. بسامد بالای فرایند مادی کاملاً در راستای اهداف نویسنده به کار رفته است؛ موضوعی که حاکی از ارتباط شخصیت‌های داستانی با جهان بیرون و کنش‌پذیری و نقش‌پذیری بیشتری دارند. این مسأله بیانگر آن است که دیدگاه دانشور دیدگاهی واقع‌گرایانه است و برای تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب و جلب توجه خواننده در بیان تجارب بیرونی و دورنی خود از این فرایند بیشتر سود جسته است.

دانشور برای اینکه حوادث زملنه خود را ملموس‌تر و واقعی‌تر به خواننده بنمایاند، از افعالی استفاده می‌کند که بر

رخدادهای مادی واقعی دلالت دارند، بسامد بالای فرایندهای مادی، فضای داستان را از حالت انتزاعی و غیر ملموس دور می‌سازد و در نتیجه سبب می‌شود که داستان و مسائل مطرح شده در آن برای خواننده باورپذیر شوند. در رمان جزیره سرگردانی، شخصیت اصلی زن داستان (هستی) درگیر اتفاقات و رخدادهای سیاسی و اجتماعی است؛ انسانی واقع‌گراست و خود تصمیم می‌گیرد که چگونه عمل کند؛ ترس و فعالیت‌های ذهنی زنانه که در وجود زری در رمان سووشون بود، در شخصیت هستی وجود ندارد و هستی یک شخصیت کنشگر و فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی است. به همین دلیل از نظرگاه سبکی می‌توان در رمان جزیره سرگردانی سیر تحول دیدگاه نویسنده را نسبت به شخصیت‌های زن داستان مشاهده کرد که چگونه شخصیت زن داستان را از انفعال و درگیری‌های ذهنی خارج کرده و به عرصه اجتماع کشانده و یک شخصیت فعال و کنشگر ساخته است.

از آنجاکه رمان دانشور جنبه توصیفی و کنشی دارد، فرایندهای رابطه‌ای بعد از فرایندهای مادی در جایگاه دوم قرار گرفته است؛ امری که فضای داستان را متنوع کرده و میدان را برای جلب توجه مخاطب از حالت توصیف به عمل و برعکس از حالت کنشی به توصیفی فراهم می‌سازد. نکته دیگر اینکه دانشور در فرایند رابطه‌ای، میان پدیده‌های انسانی و غیر انسانی پیوند برقرار کرده است. در فرایند رابطه‌ای نویسنده با نسبت دادن ویژگی‌های متعدد به عناصر طبیعی و غیر طبیعی، فضایی توصیفی در داستان‌ها خود ایجاد کرده است.

از دیگر موارد مورد بررسی در این مقاله، شاهنامه دست‌نویس ابراهیم سلطان است که با استفاده از تذهیب و نگارگری در ۱۷۶ مینیاتور، ابیات شاهنامه را نوشته است. مجموع ابیاتی که در این لوحه‌ها ثبت شده، حدود پنجاه هزار بیت است. از نکته‌های جالب توجه در این نسخه دست‌نویس، آوردن مقدمه شاهنامه ابومنصوری است. در پژوهش حاضر بر مبنای دستور نقش‌گرای هلیدی، فرایندهای شش‌گانه مادی، رابطه‌ای، رفتاری، وجودی، ذهنی و بیانی در هفت‌خوان رستم بررسی شده است. در هفت‌خوان رستم فرایند مادی در میان شش فرایند نظام‌گذاری بیشترین بسامد را داراست که منعکس‌کننده مناسب آن با بافت حماسی شاهنامه فردوسی است و داستان هفت‌خوان که شرح هفت مرحله جنگاوری رستم تا نجات کیکاووس از اسارت دیو مازندران است، جنگ و ستیز و کنشی فیزیکی است که به صورت ذهنی یا بیانی صورت نمی‌گیرد. بنابراین میان فراوانی فرایند مادی و سایر فرایندها تفاوت معناداری وجود دارد و از سوی دیگر خصوصیات مشارکین در هر خوان به گونه‌ای توصیف گردیده تا خواننده بتواند درکی ملموس و عینی از داستان داشته باشد و این خود دلیلی بر بسامد بالای فرایند مادی در این داستان است که باعث گردیده، هر خوان همانند صحنه‌های نمایش در برابر دیدگان به تصویر درآید.

از نکات درخور توجه در این بررسی، شباهت هر دو اثر در کاربرد فرایندهاست. به‌گونه‌ای که به ترتیب در هر دو اثر فرایند مادی در مرتبه اول و فرایندهای بعدی از جمله رابطه‌ای و بیانی و وجودی و ذهنی به ترتیب در مراحل بعدی است. نتیجه‌ای که از کاربست این نوع بررسی در دو اثر به‌دست می‌آید این است که هر دو اثر به دلیل بازتاب‌دهنده حوادث و اتفاقات رخ داده برای شخصیت‌های داستانند از افعال مادی و سپس رابطه‌ای بیشتری بهره را برده‌اند.

## منابع

### کتابها

- ابراهیم سلطان. (۱۳۹۸). شاهنامه ابراهیم سلطان، به کوشش فیروزه عبدالله‌یوا و چالز پیتر ملویل، تهران: فرهنگستان هنر.
- دانشور، سیمین. (۱۳۷۲). جزیره سرگردانی. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک شناسی. تهران: انتشارات سخن.
- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۷۶). جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور. تهران: انتشارات نیلوفر.
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: نشر مرکز.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). ادبیات داستانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.

### مقالات

- ایشانی، طاهره و لطیف، نرگس. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، مجله پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۰۸-۸۵.
- فضائی، سیده مریم و ابراهیمی، شیما. (۱۳۹۳). «تحلیل سبک‌شناختی داستان هفت‌خوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی». فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، شماره ۴، صص ۱۴۲-۱۱۹.

### پایان‌نامه‌ها

- نویدی، عبدالوحید. (۱۳۹۵). الأسلوبیة فی رثائیات عند شریف رضی و هندی و جواهری (دراسة مقارنة)، رساله دکتری، جامعه تهران.

### منابع لاتین

- Halliday, M., Matthiessen, C. M., & Matthiessen, C. (۲۰۱۴). *An introduction to functional grammar*. Routledge.
- Halliday, M. A. K. (۱۹۷۸). *Language as social semiotic: The social interpretation of language and meaning*. Hodder Arnold.
- Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (۱۹۸۹). *Language, context, and text: Aspects of language in a social-semiotic perspective*.
- Halliday, M.A.K. (۱۹۹۴) *an introduction to functional grammar revised by Christian M.I.M. Matthiessen*. New York: Arnold.
- Leech, G. N. and M. H. Short. (۱۹۸۱). *Style in fiction*, London: Longman.
- Simpson, P. (۲۰۰۴). *Stylistics: A resource book for students*. Psychology Press.
- Thompson, G. (۲۰۱۴). *Introducing functional grammar*. ۲<sup>nd</sup> edition. Oxford university press.